

الگوی آرمانی دولت مقاومت و بیانیه گام دوم

حسین اکبری^۱

اولین همایش بین المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن ساز

International Conference on the Second Step of the Revolution

چکیده

«دولت مقاومت» مفهومی برگرفته از آرمان‌های انقلاب کبیر اسلامی است که در شرایط بسیار سخت و پیچیده زمانی و مکانی ناگزیر است برای حفظ اصول و رسالت الهی خود در مقابل زیاده‌خواهی نظام سلطه جهانی که بدون رقیب و مسلح به همه ابزارهای سلطه‌گری است، ایستادگی کند. نظام سلطه جهانی، به ویژه در طول دو قرن اخیر، با استفاده از ضعف مسلمانان، همه ابزارهای سلطه را برای سیطره بر جهان اسلام فراهم کرده است. دولت مقاومت با تکیه بر وعده‌های الهی و توسل به ابزار مقاومت در تقابل با سلطه‌گری نه تنها مقاومت کرده، بلکه در راستای تحقق آرمان‌ها و اصول خود، گام اول یا چهل سال نخست را با افتخار پشت سر گذاشته و در گام دوم انقلاب برای تقویت خود از درون با هدف خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی، نگاه عمیقی به تقویت و توسعه جبهه مقاومت برای نیل به تحقق تمدن نوین اسلامی دارد که در این تحقیق با تکیه بر ادبیات تولیدشده در حوزه مقاومت، به ویژه دولت مقاومت به برخی مفاهیم تجربه‌شده و شاخصه‌های تمدن‌ساز در راستای الگوسازی مدل دولت مقاومت در گام دوم انقلاب اسلامی اشاره می‌شود.

واژگان کلیدی

انقلاب کبیر، مقاومت، شاخص‌های دولت مقاومت، تمدن‌سازی، بیانیه گام دوم



مقدمه

انقلاب‌های کبیر درون خود علاوه بر قدرت گفتمان‌سازی از توان شبکه‌سازی و تمدن‌سازی نیز برخوردارند. انقلاب جهانی مقاومت متشکل از رهبری، امت و دولت مدرن در شرایطی زمانی و محیطی قرار دارد که نظام سلطه بیش از هر زمان احساس قدرت و برتری دارد و تلاش می‌کند سلطه و نفوذ خود را در سراسر جهان گسترش دهد؛ به ویژه اینکه پس از فروپاشی نظام دوقطبی، آمریکا دنیا را غنیمت جنگ سرد و در اسارت خود می‌پندارد. با این حال حکومت مقاومت براساس فلسفه وجودی خود، ایستادگی در مقابل نظام سلطه ولو در شرایط نابرابر نظامی و سیاسی را جزئی از آرمان خود می‌داند. بر این اساس امروزه در یک هم‌آورد نابرابر، گفتمان مقاومت در مقابل گفتمان سلطه ایستادگی می‌کند و علاوه بر حفظ موجودیت خود از امت مقاومت نیز در همه جبهه‌ها دفاع می‌کند که نمونه آن حمایت از مردم و دولت عراق، دفاع از مردم و دولت سوریه و دفاع از مردم بی‌دفاع یمن است.

این دفاع و حمایت از امت‌ها، در زمانی انجام می‌شود که در طرف مقابل، نظام سلطه و هم‌پیمانانش با همه توان برای فروپاشی مقاومت متحد شده‌اند. این مبارزه طی دهه‌های اخیر بی‌وقفه و در سطح گسترده تداوم داشته است. جریان تکفیری داعش که هدف اصلی خود را نابودی مقاومت می‌دانست، در جنگ علیه مقاومت در اوج اعمال خشونت بی‌سابقه نه تنها هیچ حد و مرزی در اعمال جنایات خود قائل نبود، بلکه با توسل به رعب و وحشت توانست همه ارتش‌های کلاسیک و مخالفان عقیدتی خود را مرعوب و ناکارآمد کند. بنابراین می‌توان گفت اگر کارآمدی گفتمان مقاومت در مقابل داعش تکفیری مسلح به مدرن‌ترین تجهیزات و حمایت‌های همه‌جانبه سلطه‌گران نبود، حتماً داعش از مرز بسیاری کشورهای اسلامی و عربی عبور کرده و به کشورهای غربی نیز رسیده بود. بنابراین اگر جامعه بین‌الملل روزی ناگزیر شود منصفانه قضاوت کند، حتماً تأیید خواهد کرد که بدون قدرت مقاومت، ایستادگی در مقابل داعش تکفیری غیرممکن بود؛ زیرا تنها مقاومت بود که براساس آرمان‌های الهی خود، فراتر از مرزهای جغرافیایی، مذهبی، دینی و قومی، از مظلومیت امت‌گرد، عرب، ترکمن، علوی، سنی، شیعی، مسیحی، ایزدی و ... در کشورهای مختلف دفاع کرد. آنچه امروزه در قالب ایجاد و به‌کارگیری جریان‌های تکفیری رخ داده نه تنها یک حادثه اتفاقی نیست، بلکه یک عقبه فکری و نظریه سامان‌یافته سلطه‌گری دارد.



نظریه انقلاب جهانی تمدن‌ساز

انقلاب‌های بزرگ جهانی به دلیل اهداف آرمانی و تأثیرات فراملی، به مراتب نگرشی فراتر از تشکیل یک دولت ملی را در هدف غایی خود دارند. لازمه گسترش و تحقق اهداف انقلاب جهانی تشکیل یک دولت ملی الگو و مقتدر است. اصولاً انقلاب‌ها به ویژه انقلاب‌های بزرگ با مقاومت و حمایت مردمی وارد صحنه انقلاب می‌شوند؛ با این تفاوت که انقلاب‌هایی که در مقابل نظام سلطه شکل می‌گیرند تا زمانی که در تقابل با نظام سلطه هستند، ناگزیر به مقاومت و مبارزه تا تحقق فرایند انقلاب خود هستند. بنابراین انقلاب جهانی دارای نوعی حاکمیت تمدن‌ساز و مولد گفتمان جدید است که از مؤلفه‌های رهبری (فرمند) کاریزما، ملت‌های پیرو، نگرش جهانی، دولت مدرن و اندیشه آخروی برخوردار است. انقلاب جهانی معمولاً با شعار دفاع از حقوق ملت‌های تحت ظلم، با استبداد و سلطه‌گری مبارزه می‌کند. مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم با تأکید بر تقابل دوگانه جدید اسلام و استکبار می‌فرماید: «پس آنگاه انقلاب ملت ایران، جهان دوقطبی آن روز را به جهان سه‌قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطب‌های جدید قدرت، تقابل دوگانه جدید اسلام و استکبار پدیده برجسته جهان معاصر و کانون توجه جهانیان شد» (بیانات رهبری، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). در ادامه فرمودند: «اکنون با گذشت چهل جشن سالانه انقلاب و چهل دهه فجر، یکی از آن دو کانون دشمنی (شرق و غرب) نابود شده و دیگری با مشکلاتی که خبر از نزدیکی احتضار می‌دهد، دست و پنجه نرم می‌کند و انقلاب اسلامی با حفظ و پای‌بندی به شعارهای خود همچنان پیش می‌رود» (بیانات رهبری، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). بنابراین مصادیق این نوع اندیشه جهانی یا انقلاب تمدن‌ساز با اندکی اغماض در تاریخ معاصر، گفتمان کمونیسم، گفتمان لیبرالیسم و گفتمان مقاومت و تا حدودی نگرش تکفیری داعش را آن‌گونه که در زیر اشاره شده است، دربرمی‌گیرد.

– گفتمان کمونیسم (که بر ویرانی‌های گفتمان لیبرالیسم بنا شده بود) دارای رهبری کاریزما، ملت‌های پیرو، دولت مدرن، اندیشه جهانی و مولد گفتمان بود که علیه استبداد و سلطه‌گری مبارزه می‌کرد، اما به دلیل نداشتن نگاه آخروی و خدامحوری نتوانست تمدن نوین خود را محقق کند؛ در نتیجه پس از مدتی شکست خورد.



- گفتمان لیبرالیسم یا لیبرال دموکراسی دارای اندیشه جهانی، ملت‌های پیرو، دولت مدرن و مولد گفتمان بود و از آزادی بی‌حد انسان‌ها دفاع می‌کرد و همه ابزارهای قدرت را نیز در حوزه بین‌المللی در اختیار داشت؛ ولی به دلیل فقدان رهبری کارزما، اندیشه اخروی و اندیشه ظلم‌ستیزی در نهایت نتوانست خواسته مطلوب خود را در ساخت تمدن جدید که با هدف سلطه بر جهان بود، محقق کند. بنابراین در شرایط کنونی که گفتمان لیبرال دموکراسی در حال افول است، باید منتظر بود گفتمان جدید جایگزین شود.

- نگرش تکفیری: شاید سؤال شود تکفیری‌ها علاوه بر مدل خلافت و رهبری، جهانی‌نگری، نگاه اخروی موعودگرایی، قدرت متکی به اعتقاد و مدل حکومتی، از استقبال مردمی نیز برخوردار بودند، اما چرا به نتیجه نرسیدند؟ علت فروپاشی حرکت تکفیری‌ها در زمان بسیار کوتاه نقص در رهبری، خشونت در رفتار، افراط در دین، کوتاه‌نگری در موعودگرایی، نقص در مدل حکومتی، نادیده گرفتن دیگران، استفاده از زور به جای عقلانیت، طغیان علیه قوانین بديهی و... بوده است.

- گفتمان مقاومت با داشتن رهبران مقتدر، ملت‌های پیرو، دولت مدرن، اندیشه جهانی و اخروی، مولد گفتمان جدید (مقاومت)، ظلم‌ستیزی و حمایت از حقوق بديهی انسان‌ها، از شرایطی برخوردار است که در ادبیات اسلامی به رابطه متقابل امت و امامت تعبیر می‌شود؛ به نحوی که اگر امامت تدبیر کند، امت عمل می‌کند و در نتیجه کار خواسته شده محقق خواهد شد. در اندیشه اسلامی مقاومت حتی مظلومان غیرمسلمان نیز تحت حمایت گفتمان مقاومت قرار می‌گیرند. بنابراین ممکن است در برخی حاکمیت‌های تمدنی، رهبری باشد ولی امت پیرو نباشد. مثل دوران بسیاری از انبیا و ائمه (ع) - و در مواردی نیز ممکن است امت باشد ولی امامت نباشد مانند بیداری اسلامی در کشورهای اسلامی و ... (اکبری، ۱۳۹۶: ۲۹۲). در گفتمان مقاومت، امامت - امت‌سازی جایگزین دولت - ملت‌سازی می‌شود.

مفهوم قدرت در دولت مقاومت

توجه به حوزه مقاومت‌های صورت‌گرفته در برابر قدرت، ما را در فهم هر چه بهتر روابط قدرت و مقاومت یاری می‌دهد. به اعتقاد میشل فوکو «هیچ قدرت یا اقتداری نمی‌توان یافت که در برابر خود مقاومت نیافریند» و در برابر هر رابطه‌ای از قدرت می‌توان حوزه کاملی از



پاسخ‌ها، واکنش‌ها و تدابیر ممکن را مشاهده کرد. پس نحوه اعمال قدرت ممکن است از طریق ماهیت مقاومتی که در برابر آن ایجاد می‌شود شناخته شود. مقاومت همیشه در روابط قدرت به عنوان «تقابل غیرقابل تقلیل» مد نظر قرار می‌گیرد. در واقع قدرت صرفاً در مبارزه‌ها، واکنش‌ها و مقاومت‌هایی جریان می‌یابد که انسان‌ها برای به هم ریختن مناسبات قدرت انجام داده‌اند. از این رو، توجه به اشکال مقاومت صورت گرفته در برابر قدرت ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است (Bashgah, Net: 20537).

مفهوم قدرت بر مبنای آرا و اندیشه اندیشمندان پست‌مدرن، به ویژه میشل فوکو، عبارت از این است که قدرت به صورت پدیده‌ای اجتماعی و ساختاری درک شود. این نوع قدرت، نامتعیّن، چندشکلی، فراگیر و در سراسر جامعه پراکنده است؛ بنابراین قدرت، نوعی فناوری و راهبرد است که پیوند عمیقی با دانش، صلاحیت و امتیازات دارد و به صورت غیرمستقیم اعمال می‌شود. قدرت، یک نهاد یا ساختار نیست، بلکه «وضعیت راهبردی پیچیده» و «کثرت روابط بین نیروها» است (بشیری، ۱۳۷۶: ۲۶۰).

مفهوم مقاومت از قدرت تولید می‌شود و عموماً در رابطه بین مقاومت و قدرت، وزنه برتری را به قدرت می‌دهند. در واقع اگر مقاومت تسلیم شود، خنثی خواهد شد. بنابراین میزان و چگونگی مقاومت در تقابل بین قدرت و مقاومت بسیار تعیین‌کننده است، زیرا اصولاً مقاومت از حداقل ابزارها در مقابل قدرت برخوردار است جز اینکه مقاومت از ابزار ایدئولوژی نیز استفاده کند. وقتی مقاومت از ایدئولوژی استفاده می‌کند توان مضاعفی کسب و پشتوانه مردمی قوی برای خود ایجاد می‌کند و از ابزارهای متافیزیکی نیز بهره‌مند می‌شود. فوکو بر این باور است فضایی که در آن سلطه و مقاومت در برابر هم می‌ایستند مکان گفتمانی است. گفتمان‌ها ساختار دارند. تحلیل این ساختارها به ما کمک می‌کند که بتوانیم تغییراتی در اشکال گفتمان‌های حاکم ایجاد کنیم. قدرت و مقاومت گرچه به نوعی تضاد دارند و در فضای توازن وحشت زیست می‌کنند، اما گاهی نیز ممکن است یکدیگر را تحمل کنند؛ زیرا موازنه وحشت یا موازنه ترور^۱ به وضعیتی اشاره دارد که در آن دو کنشگر می‌توانند به شکلی باورکردنی یکدیگر را تهدید به نابودی کنند. بنابراین این توان به عنوان توازن قوا، طرفین را وادار به تحمل یکدیگر می‌کند. لازم نیست این توانایی تمام‌عیار باشد، اما بی‌تردید از سوی طرفین ذی‌نفع قابل قبول نیست، زیرا موازنه وحشت از موازنه قدرت مشتق شده است

1. Balance of terror



(فوکو، ۱۳۸۴: ۷۹). برای مثال مقاومت می‌تواند یک عامل ژئوپلیتیک به شمار رود؛ زیرا قسمت عمده‌ای از پیروان آن در مناطقی استقرار دارند که بر روابط قدرت در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیرگذارند (تلاشان، ۱۳۸۹: ۱۱۰).

جوزف نای بر پایه سنت متداول، قدرت را این‌گونه تعریف می‌کند: «توانایی در تأثیرگذاری بر رفتار دیگران برای انجام دادن یا ندادن کاری که بر خلاف خواست آنهاست.» نای چندین راه برای تأثیرگذاری بر کنش‌ها و رفتار دیگران مطرح می‌کند:

نخست، مجبور کردن آنان با تهدید؛

دوم، تطمیع و اغوای آنان با پرداخت پول و پاداش؛

سوم، از طریق جذب کردن، هم‌دست کردن و همکاری کردن.

بنابراین برای دستیابی به اهداف مطلوب، همواره به کارگیری زور و اجبار و پول و پاداش لازم نیست، بلکه صور و طرق دیگری نیز وجود دارد. در نتیجه، حداقل دو نوع قدرت سخت‌افزاری و نرم‌افزاری را باید از هم متمایز کرد (Josef, Nye, 1990, Vol. 80, p.7). قدرت نرم به صورت توانایی در جذب و اقناع دیگران برای هم‌دستی و همکاری تعریف می‌شود. این نوع قدرت بر هنجارها، ارزش‌ها، انگاره‌ها، ایدئولوژی، نهادهای سیاسی، اعتبار، اخلاق و فرهنگ مبتنی و متکی است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۵۷). در نهایت «هدف فوکو در تبارشناسی، آشکار کردن این است که ما چگونه با تولید حقیقت بر خود و دیگران حکومت می‌کنیم. فوکو با علوم انسانی دست به تحلیل رابطه قدرت و مقاومت زده و به این نتیجه رسیده است که نظام قدرت، هم شرط تولید مقاومت درباره انسان و هم پیامد آن است. مطالعات او در رشته‌های مختلف، رابطه دوجانبه میان قدرت و مقاومت را نشان می‌دهد» (حقیقی، ۱۳۸۲: ۱۹۰).

سریع‌القلم معتقد است: «دفاع از نهضت‌های آزادی‌بخش با منافع دولت‌ها در تضاد قرار می‌گیرد و کشور حامی یا باید نهضت‌های آزادی‌بخش را انتخاب کند یا دولت حاکم را؛ زیرا انتخاب هر دو به طور هم‌زمان به معنی از دست دادن هر دو خواهد بود و تنها قدرت‌های بزرگ جهانی می‌توانند با همه نیروهای سیاسی داخل یک کشور- ملت ارتباط برقرار کنند» (سریع‌القلم، ۱۳۷۹: ۵۷). اگر این نظریه درست باشد، باید رژیم صهیونیستی که از قواعد و حمایت‌های بین‌المللی برخوردار است، حکومتی موفق می‌شد، در حالی که در تقابل با



مقاومت، روند اقتدارش عملاً سیر قهقراایی دارد، هر چند به ظاهر در چارچوب قواعد جهانی شکل گرفته و همواره با نظام سلطه هم‌پیمان بوده است. به نظر می‌رسد نظر دکتر سریع‌القلم درباره همه کشورها جز دولت و جریان‌های مقاومت درست باشد، زیرا جمهوری اسلامی برخلاف کشورهای دیگر، به دنبال تأمین منافع و استفاده ابزاری از جنبش‌های مقاومت نیست.

۱. مفهوم نفوذ در دولت مقاومت

عده‌ای بر این باورند که نفوذ از اعمال قدرتِ نفوذگر و قدرتمند ناشی می‌شود (مک‌لین، ۱۳۸۱: ۲۳۰-۲۳۱)؛ اما تعبیری جامع‌تر می‌گوید: نفوذ، اصطلاحی است که پیوند مفهومی نزدیکی با قدرت دارد و در سه معنای متفاوت به کار می‌رود:

نخست، از منظر قدرت؛ نفوذ، بدیلی است که به جای قدرت استفاده می‌شود؛ البته در شرایطی که طرفین نتوانند سازگاری و تبعیت به وجود آورند.

دوم، از دید دولت مقاومت؛ نفوذ در شکل هم‌پیمانی به عنوان اقدام غیراجباری قدرت استفاده می‌شود؛ زیرا می‌توان نفوذ را مانند قدرت به عنوان یک توانایی یا یک رابطه تعریف کرد؛ در نتیجه، در اندیشه طرف مقابل به جای آنکه مجبور به تغییر تصمیم خود شود، اقتناع‌گری صورت می‌گیرد یا متقاعد می‌شود و اقدام مد نظر را انجام می‌دهد. از این رو، رابطه نفوذ در این معنای غیراجباری به طور خاص میان کنشگرانی شایع است که شرکای یک ائتلاف هستند (ایوانز و نونام، ۱۳۸۱: ۳۷۸-۳۷۹).

سوم، از منظری دیگر، دولت مقاومت نفوذ را از طریق ارزش‌های والا می‌داند؛ همان‌طور که اشتیاق مردم برای یادگیری زبان‌های خارجی به عنوان ارزش تلقی می‌شود که نوعی پذیرش نفوذ است (مصاحبه با دکتر حافظ‌نیا ۹۲/۴/۲۵). بنابراین، اقتناع‌گری ملت‌های تحت ستم و حمایت از آنها در مقابل نظام سلطه، کمک به استقلال ملت‌ها و پذیرش ارزش‌های والا می‌شود. مقاومت و تفکر سلطه‌ستیزی دولت مقاومت، از طریق متقاعدسازی، اقتناع‌گری و اعطای ارزش‌های والا مانند آزادی و استقلال، نفوذ را در محیط ائتلاف و منافع متقابل محقق می‌کند.

۲. مکتب هدایت در دولت مقاومت

برداشت‌های مختلف از سیاست را می‌توان در «مکتب قدرت» و «مکتب هدایت» طبقه‌بندی کرد. در مکتب قدرت با استفاده از ابزارهای مادی در غایت دولت، امور دنیوی و دنیا مقصد است؛ اما در مکتب هدایت، غایت دولت، امور اخروی است و آخرت مقصد و دنیا منزلگاه است. قانون در مکتب قدرت، غیردینی و امری بشری است، در حالی که قانون در مکتب هدایت، دینی و امری فرابشری و الهی است. بدین ترتیب از نظر مؤسس حکمت متعالیه، صدرالمتهلین، مفهوم «سیاست» که از آن به «تدبیر» نیز تعبیر می‌شود، در مکتب هدایت بدین شکل قابل تعریف است: «تلاش انسان‌ها برای تحقق قانون الهی روی زمین به رهبری انبیا، اوصیا و اولیا برای نیل به سعادت قصوی» (لک‌زایی، ۱۳۸۳: ۲۱). قرآن کریم می‌فرماید: «الذین مکنهم فی الارض اقامو الصلاه واتو الزکوه وامرو بالمعروف و نهوا عن المنکر و لله عاقبه الامور»: «[آنان که خدا را یاری کنند] آنهایی هستند که اگر روی زمین به آنان اقتدار و تمکین دهیم، نماز برپا می‌دارند و زکات به مستحقان می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند [و از هیچ‌کس جز خدا نمی‌ترسند] چون می‌دانند که عاقبت کارها به دست خداست» (حج/۳۹). امام علی (ع) می‌فرماید: بدان که فاضل‌ترین بندگان خدا نزد او امامی است دادگر، هدایت‌شده و هدایتگر که سنتی را که شناخته است برپا دارد و بدعتی را که ناشناخته است، بمیراند (نهج البلاغه، سید رضی، خطبه ۱۳۱). امام خمینی (ره) با استنباط از قرآن و نهج البلاغه می‌فرماید: «تمام انبیا موضوع بحث‌شان، موضوع تربیت‌شان، موضوع علم‌شان، انسان است. آمده‌اند انسان را تربیت کنند. آمده‌اند این موجود طبیعی را از مرتبه طبیعت به مرتبه عالی مافوق طبیعت، مافوق جبروت برسانند» (صحیفه نور، ج ۷: ۲۲۳). خواجه نصیرالدین طوسی معتقد است: دو دسته عناصر در افکار سیاسی وجود دارد. دسته اول افکار سیاسی که زیر مجموعه حکمت سیاسی و دربرگیرنده اصول ثابت است و دسته دوم که عمده‌تاً زیر مجموعه فقه سیاسی است و بر حسب دگرگونی احوال، ایام، ملل و دول تغییر می‌کند و دربرگیرنده افکار سیاسی متغیر است (لک‌زایی، ۱۳۸۳: ۱۲۵). بنابراین اندیشه سیاسی امام نیز از این قاعده مستثنی نیست و بخشی از آن برحسب مقتضیات زمان، مکان، شرایط و امکانات و ... دچار تغییراتی شده است. اما نکته حائز اهمیت این است که در دایره اصول ثابت، تغییرات به وجود آمده است.



۳. ویژگی نخبگان در دولت مقاومت

انسان کامل در میدان مقاومت به دلیل ضرورت ایفای نقش در حوزه فراملی و آرمانی، باید از توانایی و قابلیت بالایی برخوردار باشد؛ در نتیجه عناصر و رهبران مقاومت باید سه ویژگی بینش، دانش و توانش را داشته باشند.

بینش یعنی تزکیه نفس، اعتماد به خدا، معنویت، اخلاق، تعهد و...؛ مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم در این باره فرمودند: «معنویت به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و جامعه است، و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و سایر خلقیات نیکوست. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است. بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند» (بیانات رهبری، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

دانش یعنی تعلیم، علوم عقلی، آگاه به زمان، تجربه بشری و...؛ مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم در این زمینه فرمودند: «دانش آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دوپست ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب‌مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد» (بیانات رهبری، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

توانش یعنی مهارت، تخصص و توانمندی انجام کار...؛ آیه «يُرَكِّبُهُمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ» و آیه «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» دلالت بر اهمیت و ضرورت توانمندی در حوزه‌های فوق دارند. بنابراین اگر عنصر یا مدیر مقاومت فاقد یکی از این مؤلفه‌ها باشد، به همان میزان برای انجام مأموریت در حوزه مقاومت نقص دارد. اضلاع مهم مثلث انسان مقاوم یا نخبه مقاومت «تزکیه، علم و مهارت» در حوزه مقاومت است (اکبری، ۱۳۹۶: ۳۰۱).



۴. دیپلماسی در دولت مقاومت

از آنجا که دولت مقاومت از دریچه قرآن و اسلام به جهان می‌نگرد و دین مبین اسلام و پیامبر خاتم از سوی خالق یکتا برای نجات همه بشریت آمده‌اند، دولت مقاومت بر اساس سه مؤلفه اساسی در روابط خارجی خود در قالبِ دیپلماسی فطرتی، دیپلماسی وحدتی و دیپلماسی عترتی، قادر است رابطه خود را با همه مکاتب فکری و ادیان و مذاهب در جهان تعریف کند؛ زیرا اسلام در مبانی فطرتی با همه بشر و در روابط وحدتی با تمام جهان اسلام و در روابط عترتی با محبان اهل بیت (ع) می‌تواند دیپلماسی خود را در فصل مشترک منافع متقابل با همه بشر برقرار کند.

در دیپلماسی حکومت جمهوری اسلامی ایران سه مؤلفه عزت، حکمت و مصلحت مفاهیمی هستند که تشخیص مرز دقیق و اولویت زمانی آنها برای اندازه‌گیری بسیار سخت است و در نتیجه به اقتضای توان هر فرد ممکن است اولویت‌ها قابلیت تفسیر داشته باشند. مهم‌تر اینکه تشخیص مصداق و اهمیت هریک از این سه مؤلفه در میدان تصمیم‌گیری به سادگی برای غیر از مقام رهبری ممکن نیست. از این رو احتمال خطا در این رابطه در سطح مجریان سیاست بسیار زیاد است که نمونه آن برجام است؛ در حالی که در دیپلماسی دولت مقاومت، مرزها در حوزه اقدام به سهولت قابل تمیز و تشخیص هستند (اکبری، ۱۳۹۶: ۳۰۳). هر انسانی به لحاظ فطری با ظلم و سلطه دیگران مخالف و با عدالت موافق است. مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم با تأکید بر فطری بودن شعارهای انقلاب فرمودند: «برای همه چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنی است. آنها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه عصرها با آن سرشته است. آزادی، معنویت، اخلاق، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری هیچ‌یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره دیگر افول کند. هرگز نمی‌توان مردمی را تصور کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند» (بیانات رهبری، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).



شاخص‌های دولت مقاومت در تمدن‌سازی

ویژگی‌های حرکتی جریان تمدن نوین اسلامی، با تکیه بر تجارب انقلاب اسلامی، عبارت‌اند از: آرمان‌گرایی، تقید به اصول، اصلاح‌گری، مردمی بودن، نوگرایی، انعطاف‌پذیری، اتکا به خرد جمعی، تأثیر و تأثر در سطح جهانی، و نقش جایگاه رهبری که در این مجال به آنها پرداخته می‌شود.

۱. آرمان‌گرایی در دولت مقاومت

حرکت تمدن موعود، آن‌گونه که از متون روایی برمی‌آید، کاملاً رو به آرمان‌های دین مبین اسلام دارد و از آنجا که این آرمان‌ها غایت‌ناپذیرند، این تمدن هیچ‌گاه دچار رخوت و کندی نمی‌شود و میل در رسیدن به سطوح بالاتر کمال، انگیزه حرکت مستمر را فراهم می‌آورد. در نگاه شهید مطهری «عامل اصلی حرکت تاریخ، فطرت تکامل‌جو و قناعت‌ناپذیر انسان است که به هر مرحله‌ای برسد، مرحله بالاتر را آرزو و جست‌وجو می‌کند. تضادها، آن‌هم نه به صورت دیالکتیکی، آهنگ حرکت را تندتر و سریع‌تر می‌کند» (مطهری، ۱۳۹۰: ۴۲۸). از سوی دیگر، وجود آرمان‌هاست که برای هر جریانی، مفاهیم بالا، پایین و عقب و جلو را معنا و به تبع آن، پسرفت و پیشرفت جریانی را تعیین می‌کند. بدون آرمان‌ها، نسبت همه چیز را فرا خواهد گرفت و در خلأ هرگونه سمت و سو، هیچ جریانی در هیچ جهتی شکل نمی‌گیرد و حرکت تمدنی بشر دچار رکود و منجلاب و تعفن می‌شود. مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم می‌فرماید: «از میان همه ملت‌های زیر ستم، کمتر ملتی به انقلاب همت می‌گمارد و در میان ملت‌هایی که به پا خاسته و انقلاب کرده‌اند، کمتر دیده شده است که توانسته باشند کار را به نهایت برسانند و جز تغییر حکومت‌ها، آرمان‌های انقلابی را حفظ کرده باشند. اما انقلاب پر شکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چله پر افتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است» (بیانات رهبری، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).



نقش میدانی این ویژگی در تاریخ انقلاب اسلامی: در سابقه انقلاب اسلامی ایران نیز آرمان‌ها از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است و به رغم همه کارشکنی‌های داخلی و خارجی، تداوم این آرمان‌گرایی موجب استمرار روحیه صبر و پایداری در توده‌ها بوده و مردم به لطف وجود همین آرمان‌ها، در برابر سختی‌ها، کوتاهی‌ها و کمبودها، نشاط خود را حفظ کرده‌اند. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «این آرمان‌ها فطری و خدایی هستند؛ به همین علت، ذاتاً کهنه‌شونده نیستند و هیچ‌گاه از طراوت و تازگی نمی‌افتند. بنابراین، جامعه‌ای که به دنبال این اهداف والا حرکت کند، هیچ‌گاه دچار کهنگی و فرسودگی نمی‌شود و همیشه می‌تواند جوان باقی بماند» (بیانات رهبری، ۱۳۹۰).

آثار این ویژگی بر حرکت جریان تمدن‌سازی: با این اوصاف، آرمان‌گرایی را باید به مثابه یک عامل کشش بیرونی و یک نیروی جریان‌ساز برای ایجاد حرکتی رو به مقصود و کمال، نهایی در نظر گرفت؛ چنان‌که با جذابیت بی‌پایان خود، توده‌ها را به سوی خود جلب می‌کند، جریان به راه می‌اندازد و همواره این جریان را برای رسیدن به مرتبه بالاتری از تکامل، به جلو فرا می‌خواند. در حقیقت آرمان‌گرایی پیوند مستحکم امام و امت را که حرکت‌آفرین است، به وجود می‌آورد. (اثر آرمان‌گرایی، حرکت رو به مقصود است.)

۲. تقید به اصول در دولت مقاومت

پای‌بندی به اصول الهی جزو ویژگی‌های ذاتی تمدن‌های دینی است؛ زیرا برخلاف مکتب ماکیاولیسم، رسیدن به اهداف و آرمان‌ها به هر شیوه‌ای ممکن نیست. برای رسیدن به یک رشد واقعی و متوازن در تمام ابعاد و آرمان‌ها، تقید به اصول، امری ضروری است. به همین معنا در اسلام، کسب قدرت به هر قیمتی وجود ندارد؛ در اسلام، روش‌ها خیلی مهم‌اند. مقام معظم رهبری می‌فرماید: «امروز اگر می‌خواهیم حکومت ما به معنای حقیقی کلمه، اسلامی باشد، بدون ملاحظه باید در همین راه حرکت کنیم. نصرت الهی هم بسته به همین است که ما این مبانی و اصول را حفظ کنیم» (بیانات رهبری، ۱۳۹۰).

نقش میدانی این ویژگی در تاریخ انقلاب اسلامی: در خط‌مشی انقلاب اسلامی، پای‌بندی به اصول از جمله سلطه‌ستیزی، حمایت از مظلومین، دفاع از جبهه مقاومت، حفظ استقلال کشور و... در قالب خطوط قرمز ترسیم‌شده از سوی رهبری نظام، همواره مورد اهتمام توده‌ها و



غالب مسئولان بوده است و به‌رغم فراز و نشیب‌های فراوان، عدول از اصول در سیاست‌گذاری دستگاه‌های حکومتی ممکن نشده است. هرچند «سیاست‌های نظام ممکن است تغییر پیدا کند، اما این تغییر باید مبتنی باشد بر اصول اسلامی» (بیانات رهبری، ۱۳۹۰). در سوی دیگر، مردم نیز با رأی به جمهوری اسلامی و قانون اساسی اسلامی به درخواست امام (ره)، حراست از کشور در دفاع مقدس با تکیه بر اصل جهاد، تأیید منویات و اصول تبیینی از سوی مقام معظم رهبری، با حضور گسترده مردم در انتخابات و راهپیمایی‌ها و ... پای‌بندی خود را به اصول و مبانی اسلامی اثبات کرده‌اند. البته این پای‌بندی، بی‌هزینه نبوده است و رهبر معظم انقلاب از چالش‌های بین حفظ اصول با پیشرفت در جهت آرمان‌ها این‌گونه سخن می‌گویند: «تحقق اهداف کلان مادی و معنوی این نظام، به طور طبیعی، به زمان طولانی نیاز دارد و به همین علت، ممکن است این تصور در ذهن برخی پیش‌آید که حفظ اصول و مبانی نظام و پای‌بندی به آنها، مانع از پیشرفت و محقق شدن اهداف شده است» (بیانات رهبری، ۱۳۹۰). ایشان تذکر می‌دهند: «حفظ اصول از یک طرف و از طرف دیگر، دست یافتن به آن اهدافی که نظام تعریف کرده است، با یکدیگر سازگار است. ما نمی‌توانیم به آن اهداف برسیم، مگر اینکه به این اصول پای‌بند باشیم. اگر ما از اصول دست برداشتیم، هویت نظام از بین خواهد رفت، به آن هدف‌ها هم نمی‌رسیم» (بیانات رهبری، ۱۳۹۰).

آثار این ویژگی بر تمدن‌سازی: براساس این گفتار، تقید به اصولی که از منشأ وحیانی برخوردارند مانند یک کانال و حریم برای رودخانه، از هرز و هدر رفتن جریان در مسیرهای انحرافی جلوگیری می‌کند و توان توده‌ها را در بستر جریان اصیل نگاه می‌دارد تا از شدت و سرعت جریان تمدنی به سوی آرمان‌های واقعی کاسته نشود. در واقع حفظ اصول دلیل بر حقانیت و صحت مسیر حرکت است. (اثر پای‌بندی به اصول، حرکت در حریم حدود است.)

۳. اصلاح‌گری در دولت مقاومت

در تعالیم دین مبین اسلام، مفهوم اصلاح در تضاد با افساد تعریف می‌شود. اصلاح به معنای عملی است که در جهت تکامل و رشد بشریت، به بازسازی مادی و معنوی دنیا و حل مشکلات آن می‌پردازد. در بیان شهید مطهری «اصلاحات جزئی و آرام‌آرام، کمک به مبارزه انسان حق‌جو و حق‌طلب با انسان منحط است و آهنگ حرکت تاریخ را به سود اهل

حق تند می‌نماید و برعکس، فسادها، تباهی‌ها، فسق و فجورها کمک به نیروی مقابل است و آهنگ حرکت تاریخ را به زیان اهل حق کند می‌نماید» (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۲۴: ۴۲۸). با این تعریف، پیامبران و اولیای الهی بزرگ‌ترین مصلحین تاریخ بشریت‌اند که به اصلاح عقاید باطل مردم و همچنین آبادانی جهان آنها در طول تاریخ مبادرت کرده‌اند. امام زمان (عج) نیز تحت عنوان مصلح جهانی، به اصلاح دنیای پس از ظهور اقدام می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۳: ۹۵). پس مطمئناً حرکت تمدن موعود نیز در ذات خود، ماهیتی اصلاح‌گر دارد و با حضور خود، در هر زمان و مکانی، به اصلاح و آبادانی بلاد و قلوب می‌پردازد. در بیانیه گام دوم، مقام معظم رهبری با تأکید بر اصلاح‌گری می‌فرماید: «انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و با اراده، همواره دارای انعطاف و آماده تصحیح خطاهای خویش است؛ اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست. به نقدها حساسیت مثبت نشان می‌دهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرف‌های بی‌عمل می‌شمارد، اما به هیچ بهانه‌ای از ارزش‌هایش که بحمدلله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی‌گیرد. انقلاب اسلامی پس از نظام اسلامی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند» (بیانات رهبری، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

نقش میدانی این ویژگی در تاریخ انقلاب اسلامی: انقلاب اسلامی ایران نیز با هدف اصلاح امور دینی و دنیوی کشور و رهایی از فساد و افساد طاغوت، به دست یک مصلح الهی به جریان افتاده و در سیر تکامل خود، اصلاح‌گری را به عنوان یک اصل حرکتی، در عرصه‌های خرد و کلان مورد اهتمام قرار داده است. این روحیه اصلاح‌گری، در توده‌ها و حاکمیت نمود یافته و منشأ برکاتی در صحنه‌های مختلف شده است. از جمله آنها می‌توان به اقدامات عمرانی و فرهنگی در سطح داخلی و بین‌الملل توسط دولت و مشارکت مردمی در جهاد سازندگی، نهضت سوادآموزی، تشکیل اردوهای جهادی و فرهنگی، حمایت از جبهه مقاومت و ... اشاره کرد. بنابراین ترویج این روحیه اصلاح‌گری و اعتقاد به ضرورت اصلاحات در هر میدان و عرصه‌ای، از لوازم اصلی تمدن‌سازی است. در این باره مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «ما به اصلاحات احتیاج داریم. اصلاحات، تصحیح روش‌ها، تصحیح هدف‌های مرحله‌ای، تصحیح تصمیم‌گیری‌ها و تعصب نورزیدن روی تصمیم‌های ناحق



است. اصلاحات باید ضابطه‌مند و مبتنی بر ارزش‌ها و معیارها و خط‌کش‌های اسلامی و ایرانی باشد» (بیانات رهبری، ۱۳۸۵).

آثار این ویژگی بر حرکت تمدن‌سازی: ویژگی اصلاح‌گری در جریان تمدن‌ساز را باید عامل رفع مشکلات، بهبود محیط و در نتیجه، کاهش اصطکاک جریان دانست که با اصلاح کردن موانع، به روان شدن جریان در حرکت تمدن‌سازی کمک می‌کند. (اثر اصلاح‌گری، روان‌کنندگی حرکت است.)

۴. مردم‌سالاری دینی در دولت مقاومت

مردمی بودن هر جریان و انقلاب، به میزان تعلق آن مجموعه به مردم بستگی دارد که در بالاترین سطح، مردم احساس و باوری واقعی نسبت به مالکیت انقلاب پیدا می‌کنند. در قاموس انقلاب اسلامی ایران، امام در صحیفه نور فرموده‌اند: «مردم صاحبان این نظام هستند؛ زیرا اولاً اسلام بیشترین حق را در اداره نظام‌های اجتماعی به مردم می‌دهد و هر دستگاه حاکم را یک دستگاه خدمتگزار برای مردم می‌داند؛ ثانیاً چون مردم تشکیل‌دهندگان و به‌وجودآوردگان این نظام از طریق انقلاب هستند؛ ثالثاً دخالت و نظارت مردم بیشترین تضمین را برای حفظ این نظام از انحراف ایجاد می‌کند» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۴: ۱۶۵). مقام معظم رهبری معتقدند: «در نظام اسلامی، رأی، خواسته و عواطف مردم، تأثیر اصلی را دارد و نظام اسلامی بدون رأی و خواست مردم تحقق نمی‌یابد» (بیانات رهبری، ۱۳۷۹/۰۶/۱۰).

نقش میدانی این ویژگی در تاریخ انقلاب اسلامی: در حرکت اصیل انقلاب اسلامی، همواره مردمی بودن و اعتقاد به مالکیت مردم یک شاخصه اصلی است که تخطی از آن، حرکت را از مسیر اصیل خود منحرف خواهد کرد. البته تداوم تعلق انقلاب به مردم و بالعکس، در حقیقت یک رابطه دوسویه است که نیاز به کنشی از سوی حاکمیت و واکنشی از سوی مردم دارد. در این باره حضرت امام (ره) فرموده‌اند: «همه باید کوشش بکنید که رضایت مردم را جلب بکنید؛ در همه امور... امروز مردم می‌دانند که دولت از خودشان است و انتخابات هم از خودشان است. شما باید کوشش کنید که این چیزی که الان در ذهن مردم هست که دولت را از خودشان می‌دانند... از دل آنها بیرون نرود» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۸: ۳۷۸ و ۳۷۹) و «ملت ما هر طور رأی داد، ما هم از آنها تبعیت می‌کنیم» (امام



خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۳۴). مقام معظم رهبری نیز در این باره تأکید می‌کنند: «جمهوری اسلامی حکومت مردم و شایستگان است. در جمهوری اسلامی، رسیدن به مقامات مؤثر در سلسله مراتب حکومتی، تابع صلاحیت‌هاست. هرکه صلاحیت دارد، باید در میدان‌های فعالیت و تلاش و مسئولیت جلو برود؛ از هر نقطه کشور و از هر قشر اجتماعی باشد ... و امتیاز دادن به یک قشر خاص، با نظام جمهوری اسلامی سازگار نیست» (بیانات رهبری، ۱۳۸۴). در صورتی که با این تمهیدات، مردمی بودن انقلاب به یک باور و احساس فراگیر میان توده‌ها تبدیل شود، خود به واکنش طبیعی مردم می‌انجامد. امام فرمودند: «در اساس کار جمهوری اسلامی، اصلاحات لازم است و این اصلاحات با مشارکت کامل همه مردم خواهد بود» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۱۵۵). «اینکه دولت ایستاده است و به خوبی دارد عمل می‌کند، برای این است که مردم هستند، کمک مردم است، هر جا هر نقیصه‌ای پیدا می‌شود، مردم دنبالش هستند، برای رفعش به دنبال هستند» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۸: ۳۷۸ و ۳۷۹) و با این اوصاف «آگاهی مردم و مشارکت و نظارت و همگامی آنها با حکومت منتخب خودشان، خود بزرگ‌ترین ضمانت حفظ امنیت در جامعه خواهد بود» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴: ۲۴۸) و با این شرایط «مردم از همه مسئولان، جناح‌ها و احزاب جلوترند» (فیاض، ۱۳۸۸: ۱).

آثار این ویژگی بر حرکت تمدن‌سازی: در تمدن نوین اسلامی، حضور مردم در صحنه موجب حرکتی خودجوش در همه عرصه‌ها می‌شود و توده‌ها، همانند صحنه‌های تاریخی انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، در هر زمینه‌ای به دنبال روزنه‌های مشارکت در پیشبرد اهداف، بیقراری می‌کنند و از هم سبقت می‌گیرند. آن‌گونه که در قرآن کریم آمده است: «فَأَسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (بقره/ ۱۴۸): «در کارهای نیک از یکدیگر پیشی بگیرید. هر جا که باشید خداوند همگی شما را باز خواهد آورد». بنابر اصل «فَأَسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ»، عناصر قوی‌تر به جای آنکه بزرگ‌تر، حجیم‌تر و کندتر شوند و مانعی در حرکت جریان باشند، کوچک‌تر و سریع‌تر می‌شوند و به افتخار حضور در خط مقدم جریان و شکستن مرزهای پیشرفت نائل می‌شوند. از این رو این مردمی بودن متضمن درون‌زایی و خودجوش بودن حرکت جامعه تمدن‌ساز است. (اثر مردمی بودن، درون‌زایی حرکتی است.)



۵. نوگرایی در دولت مقاومت

نوگرایی به معنای روحیه‌ای اصلاح‌گر است که صرفاً در پی حل مسائل نیست، بلکه به دنبال حل آنها با طرحی نو و تازه است و در این راه از تکرار تجارب گذشته و درج‌زدن، گریزان و به دنبال فتح قله‌های جدید است. نوگرایی در حقیقت به معنای تحول همراه با تکامل است که در نگاه مقام معظم رهبری «یعنی پیش رفتن به سمت آنچه درست‌تر است؛ آنچه کامل‌تر است؛ یعنی آنچه ساختیم، ببینیم نقص‌هایش کجاست، آن را برطرف کنیم؛ ببینیم کجا کم داریم، آن را اضافه کنیم. این جریان بایستی ادامه پیدا کند» (بیانات رهبری، ۱۳۹۰). بنابراین، نوگرایی را می‌توان یک اصل در حرکت‌های توحیدی دانست؛ زیرا با نگاه توحیدی به نظام خلقت، این باور شکل می‌گیرد که همیشه یک راه بهتر و کامل‌تر از قبل وجود دارد. در حقیقت، از نظر یک انسان مؤمن، جهان آفرینش به مثابه کارگاه شناخت مقام ربوبی است. بنابراین شناخت اجزای جهان نیز با هدف افزایش معرفت به آن مقام لایتناهی انجام می‌شود که این معرفت با هر مشاهده و هر تلاش خالصانه، یک مرحله ارتقا می‌یابد و در این فرایند بی‌انتهای، هرآینه معرفتی تازه و شناختی نو نهفته است که راه‌های جدیدی در برابر آدمی می‌گشاید و به این معنا، بی‌اعتنایی، به نوگرایی در مسیر معرفت الهی که هدف و آرمان بلند خلقت است، خدشه وارد خواهد کرد.

نقش میدانی این ویژگی در تاریخ انقلاب اسلامی: در تاریخ انقلاب اسلامی ایران، نوگرایی جلوه‌های مهمی در صحنه‌های مختلف داشته و مورد تأکید مقام معظم رهبری قرار گرفته است. «مسئله رویش‌های نوبه‌نو در نظام جمهوری اسلامی، یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین مسائل است. اگر هر انقلابی و هر حرکت و نهضتی در عالم، رویش‌های نوین و پی‌درپی نداشته باشد، محکوم به زوال و فناست. جمهوری اسلامی در طول این ۳۸ سال توانسته است در هر برهه‌ای از خود، جلوه‌ای نو و متناسب با نیاز بروز بدهد» (بیانات رهبری، ۱۳۹۳). در جای دیگر فرمودند: «اتخاذ یک روند دائمی توسط مجموعه دستگاه‌ها برای انتخاب آنچه درست‌تر و کامل‌تر است» (بیانات رهبری، ۱۳۹۰) و «نوگرایی در فقه اسلامی برای پاسخ به مسائل و چالش‌های جدید حکومتی و سایر مسائل نو در جامعه» (بیانات رهبری، ۱۳۸۹) همگی از مصادیق تأکیدات ایشان در باب نوگرایی است.



آثار این ویژگی بر حرکت تمدن‌سازی: بر این اساس، در حرکت تمدن نوین اسلامی، نوگرایی را باید نیروی مهیجی دانست که برای حرکت رونده جریان به هر سو و شکستن مرزهای دانش، تولید انگیزه می‌کند و بسنده کردن به شرایط فعلی را نامطلوب می‌سازد. (اثر نوگرایی، روندگی همه‌جانبه حرکت است.)

۶. انعطاف‌پذیری در دولت مقاومت

هنگامی که یک تمدن پیشرو در مسیر حرکت خود، با راهی بهتر و بستری مهیاتر مواجه می‌شود یا با مانعی سخت و نفوذناپذیر برخورد می‌کند، در هر دو حالت، به یک تغییر جهت موقت یا دائم در مسیر قبلی خود اقدام می‌کند؛ در غیر این صورت، حرکت این تمدن پس از مدتی کند، متوقف و به زوال کشیده خواهد شد. بنابراین، هر تمدنی باید از فرایند تغییرات مثبت استقبال کند که از آن می‌توان به انعطاف‌پذیری تمدن تعبیر کرد. تاریخ ایران یک نمونه کامل از تمدنی انعطاف‌پذیر ترسیم می‌کند که توانسته در مواجهه با تمدن‌های مهاجم همچون روم و مغول، با انعطاف‌پذیری‌های بی‌نظیر خود، از آنها گذر نماید و در برخی موارد، تمدن مهاجم را به تدریج در خود حل کند و توان آنها را در رشد و پیشبرد آرمان‌های خود، به خدمت درآورد. در تعالیم مکتب تشیع نیز انعطاف‌پذیری هنگام مواجهه با خطرها مصداق دارد آنجا که در جهت حفظ حیات دین و دین‌داران جامعه، احکامی چون تقیه، احکام ثانویه، حکم جهاد و... از سوی جایگاه ولایت و مرجعیت صادر می‌شود. به بیان مقام معظم رهبری «نظام اسلامی دارای انعطاف‌پذیری در سازکارها، خطوط و شکل حرکت است و تغییر در سیاست‌ها و نظام‌ها و تدابیر می‌تواند مانع از تحجر بشود و با تکیه بر آرمان‌های همیشه جوان و نو، نظام اسلامی را همیشه جوان، شاداب، بالنده و پیش‌رونده نگه دارد». البته در این میان «برداشت خطرناکی که باید از آن برحذر بود، اشتباه گرفتن انعطاف با انحراف و کوتاه آمدن در مقابل فشارهای بیرونی است. نباید در هیچ مسئله‌ای، از اصول و مبانی کوتاه آمد؛ زیرا این مسئله تجدیدنظر و انحراف است، نه انعطاف» (بیانات رهبری، ۱۳۹۰).

نقش میدانی این ویژگی در تاریخ انقلاب اسلامی: در تاریخ انقلاب اسلامی ایران نیز انعطاف‌پذیری را می‌توان در مقاطعی مشاهده کرد. موضوعاتی مانند ممانعت از ریاست جمهوری بنی‌صدر، پذیرش قطعنامه ۵۹۸، تعلیق موقت فعالیت‌های هسته‌ای، مقوله نرزش قهرمانانه و



... به‌رغم آنکه از سرفصل‌های پرچالش و حاشیه‌دار تاریخ انقلاب هستند و ابهامات پیرامون علل و عوامل آنها فراوان است، اما هریک را باید از مصادیق انعطاف‌پذیری انقلاب در مواجهه با حوادث مختلف برشمرد. البته شرط انعطاف‌پذیری حفظ اصول انقلاب بوده است.

آثار این ویژگی بر حرکت تمدن‌سازی: انعطاف‌پذیری در جریان تمدن موعود نیز به اتکای همین تجارب، قابل تصور است. هرچند امروز تعیین مصادیق آن در تمدن موعود آسان نیست، اما از سنت‌های دائم خداوند متعال که برای آزمایش و رشد بشریت، او را در شرایط مختلف قرار می‌دهد، چنین برمی‌آید که ویژگی انعطاف‌پذیری در تمدن موعود نه به منظور مواجهه با موانع سخت و بزرگ که اقتضای آن تمدن، انعطاف در برابر موانع نیست، بلکه هنگام انتخاب مسیرهای بهتر و مؤثرتر به کار می‌آید. (اثر انعطاف‌پذیری، انعطاف‌پذیری حرکت است.)

۷. اتکا به خرد جمعی در دولت مقاومت

توجه به اصل شور و مشورت موضوعی است که در مبانی دینی در قرآن و نهج‌البلاغه (شوری/۳۸؛ آل عمران/۱۵۹؛ شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: ۵۰۰) مورد تأکید قرار گرفته است. در تاریخ اسلام نیز ماجرای جنگ احزاب، از نمونه‌های تاریخی به‌کارگیری اصل مشورت توسط بزرگان دینی است و این بدان معناست که اولیای خدا که خود مصداق واقعی عقل کامل و واجد عصمت از هرگونه خطای مادی و معنوی هستند، بر اصل شور و مشورت تأکید داشته‌اند. در این باره شهید مطهری می‌فرماید: «پیغمبر نیامده است که تمام قوای وجود بشر را معطل کند، بگوید شما فکر نکنید، تمام کارها را ما به جای شما انجام می‌دهیم. این امر خلاف نظم عالم است؛ زیرا همان‌گونه که عنوان شد، هدف و آرمان خلقت، عبودیت و شناخت مقام باری تعالی توسط نوع بشر است. پس برای رسیدن به این هدف، عقل کل بشر و عموم مردم می‌بایست در فرایند شناخت خلقت که کارگاه شناخت الهی است، درگیر شود و به دنبال حل مشکلات و پاسخ به مسائل برآید و این حضور جمعی برای خردورزی، تأیید الهی را نیز در پی دارد. آن‌گونه که حضرت علی(ع) خطاب به خوارج نهروان می‌فرمایند: «دست خدا بر سر جماعت است. از تفرقه پرهیزید؛ زیرا شخص تک‌رو شکار شیطان است؛ همان‌گونه که گوسفند تک‌رو طعمه گرگ است» (ابن ابی الحدید، ۱۳۰۴، ج ۸: ۱۱۲). از سوی دیگر، در حوزه علوم دینی نیز الگوی خرد جمعی کارگشاست؛ زیرا مفاهیم وحیانی و



حتی روایات اهل بیت (ع) به عنوان سرچشمه‌های حقیقی علم و دانش، دارای معانی چندلایه و ذووجه‌اند که در طول زمان‌ها و دوره‌های مختلف، با رشد عقل و خرد بشری جلوه‌ای تازه از آنها نمایان می‌شود و از این رو، برای رسیدن به کُنه حقایق آن، هم متون وحیانی در جایگاه مفهوم و هم عقل و دریافت بشری در جایگاه مفسر مفهوم، هر دو حائز اهمیت خواهند بود و بی‌تردید، اجماع عقول متخصص و متدین در موضوعات متنوع، ابعاد بیشتری از حقیقت آن موضوع را آشکار می‌سازد. در جریان تمدن‌سازی اسلامی نیز هنگام رویارویی با مشکلات و حوادث، با استناد به الگوی خرد جمعی، نوعی عزم همگانی برای رسیدن به راه‌حل‌ها لازم است. در این باره مقام معظم رهبری می‌فرماید: «گفتمان اصلی ملت این است که همه، راه‌هایی را برای تقویت نظام، اصلاح کارها و روش‌ها، گشودن گره‌ها، تبیین آرمان‌ها و هدف‌ها برای آحاد مردم، استفاده از نیروی عظیم ابتکار و حرکت و خواست و انگیزه و ایمان این مردم و راه به سمت آرمان‌های عالی پیدا کنند» (بیانات رهبری، ۱۳۷۹/۰۴/۲۳).

نقش میدانی این ویژگی در تاریخ انقلاب اسلامی: از جمله نمونه‌های مراجعه به خرد جمعی در تاریخ انقلاب اسلامی می‌توان به تشکیل مجالس مختلف شورایی نظیر شورای اسلامی، شورای نگهبان، خبرگان رهبری، تشخیص مصلحت نظام و ... و از سوی مردم برگزاری همه‌پرسی قانون اساسی، انتخابات و رأی‌گیری‌های مختلف و ... اشاره کرد. مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)، در بیاناتی درباره اقتصاد مقاومتی، از عقل و خرد جمعی و نتایج آن می‌فرماید: «سیاست‌های اقتصاد مقاومتی تراوش‌شده عقل جمعی است؛ یعنی محصول یک فرایند معقول و مدبرانه‌ای است.» ایشان نتیجه این خرد جمعی را این‌گونه بیان می‌فرمایند: «لذاست که اقتصاد مقاومتی را همه تأیید کردند؛ یعنی من یک مورد سراغ ندارم که این سیاست‌ها را تخطئه کرده باشند. نه، همه قبول کردند» (بیانات رهبری، ۱۳۹۴).

آثار این ویژگی بر حرکت تمدن‌سازی: ویژگی خرد جمعی، یک سازکار انتخاب و تصمیم‌گیری است و بر این اساس، در جریان تمدن‌سازی نیز هر عنصر فردی یا گروهی، جریان را به یک جهت می‌کشاند و در نهایت، جریان به سمت برآیند مجموع جهت‌ها حرکت می‌کند؛ بنابراین، از این حالت می‌توان به «جهت‌گیری برآیندی» تعبیر کرد. از آنجا که در این روش، نظر همگان به تناسب لحاظ می‌شود، هر مسیری که انتخاب شود و مورد استفاده قرار گیرد، از حمایت و تأیید همگانی برخوردار است. (اثر خرد جمعی، جهت‌گیری برآیندی حرکت است.)



۸. تأثیر و تأثر در سطح جهانی دولت مقاومت

برخلاف ادیان ابراهیمی دیگر که وسعت تعالیم‌شان عموماً در یک قلمرو خاص یا قومی خاص محدود می‌شد، دین مبین اسلام از همان ابتدا داعیهٔ «و ما هو الا ذکر للعالمین» (قلم/۵۲) داشته است و گسترهٔ مخاطبین خود را سراسر عالم معرفی می‌کند. علت هم بر کسی پوشیده نیست؛ زیرا خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «پس حق‌گرایانه به سوی این دین رو کن، با همان فطرتی که خدا مردم را بر آن سرشته است.» از این رو، گرایش به دین اسلام مبتنی بر فطرت الهی نوع بشر است و این خود دلیلی بر جهان‌شمولی تعالیم این دین است. بنابراین شعاع حرکت تمدن موعود نیز در جهت تکمیل بنای دین مبین اسلام و استقرار آرمان «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» پهنای عالم را دربرگرفته تا آنکه «فوج فوج مردم به دین خدا وارد می‌شوند و تعالیم و اصول دین اسلام را می‌پذیرند. بنابراین تأثیر حرکت این تمدن در شعاع جهانی و با مخاطب جهانی امری محتوم و قطعی است (حائری یزدی، ۱۴۲۲: ۲۸۲).

البته این رابطه یکسویه نیست. قدر مسلم، این حرکت، در اصول و آرمان‌های خود، به سبب اتصال به مبانی و حیانی، هیچ‌گونه اثر و نفوذی نخواهد پذیرفت؛ اما در زمینهٔ شیوه‌ها و ابزار، از تجارب سایرین بهره می‌گیرد؛ زیرا در تعالیم دین مبین اسلام، طبق حدیث شریف «اطلبوا العلم ولو بالصین» (عاملی، ۱۴۱۴: ۲۷)، استفاده از علوم و تجارب سایرین، آنجا که مغایر اصول اسلامی نباشد، مورد تأکید قرار گرفته است؛ چنان که «مسلمانان در نیمهٔ دوم سدهٔ دوم هجری، از گنجینه‌های پزشکی یونان استفاده‌های زیادی کردند» (ولایتی، ۱۳۸۴: ۳؛ آیت‌اللهی، ۱۳۸۲: ۱۷).

نقش میدانی این ویژگی در تاریخ انقلاب اسلامی: این تأثیر و تأثر در انقلاب اسلامی ایران نیز نمود یافته است. انقلاب اسلامی ایران آثار انکارناپذیری در سراسر جهان داشته است که شاید در بهترین تعبیر از آن به «صدور انقلاب» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۲۲: ۱۴۸) یاد می‌شود. «اینکه امروز در سراسر دنیا، گرایش و ایمان اسلامی زنده شده است؛ ملت‌ها در شمال آفریقا و در خاورمیانه و در شرق و غرب کشورهای اسلامی بیدار شده‌اند و جوانان مسلمان در کشورهای گوناگون، به زیبایی‌های دین و قرآن رو آورده‌اند، همه حاکی از این است که انقلاب اسلامی در اول وقوع خود صادر شده است» (بیانات رهبری، ۱۳۷۲). از سوی دیگر، به‌کارگیری برخی شیوه‌ها و روش‌های تمدن غربی در زمینهٔ تقسیم

قوا، نهادسازی، قانون اساسی، انتخابات و ... همراه با اصلاحات لازم در راستای انطباق با شریعت اسلامی، نشانه تأثیرپذیری انقلاب اسلامی از تمدن‌های دیگر است و این در واقع بیانگر آن است که در تمدن اسلامی موعود نیز علاوه بر اهتمامی که به جهان‌گیر شدن شریعت اسلامی و کلمه توحید وجود دارد، توجه به دستاورد تمدن‌های دیگر، به شرط آنکه دچار تضاد و تعارضی با مبانی اسلامی نباشد، ممکن و بلکه به دو علت، ضروری است: اول آنکه جامعه اسلامی و مسلمانان، به سبب برخورداری از مبانی وحیانی، خود را بی‌نیاز از جامعه بشری نپندارند و دچار رخوت و غرور نشوند. دوم آنکه مسلمین به سبب تکلیفی که در اکتساب علوم و تجارب مختلف، حتی در نقاط دوردست عالم دارند، به ایجاد رابطه و تعامل با مردمان دیگر، شناخت نقاط قوت و ضعف آنها و ارزیابی میزان آمادگی‌شان برای پذیرش احکام الهی پردازند و به این ترتیب، تمدن اسلامی از همه ظرفیت‌ها و دستاوردهای جامعه بشری برای بسط و شکوفایی خود و رسیدن به حاکمیت جهانی دین خاتم استفاده کند.

آثار این ویژگی بر حرکت تمدن‌سازی: بر این اساس، تأثیر و تأثر جهانی را باید عامل پیوستگی جریان تمدن‌ساز موعود در سطح جهان دانست که همه ظرفیت انبای بشر را در خدمت گسترش شریعت اسلامی و در عین حال، رسیدن به رستگاری دنیا و آخرت به کار می‌گیرد. (اثر تأثیر و تأثر در سطح جهانی، پیوستگی حرکت در عالم است.)

۹. نقش و جایگاه رهبری در دولت مقاومت

رهبری در تمدن اسلامی، بنابر تصریح متون دینی و روایی، یک مرتبه میانی در سلسله مراتب حاکمیت الله است و لذا، این جایگاه به هیچ وجه خارج از شریاطی که با عنوان ولایت امام معصوم یا ولایت فقیه (در زمان غیبت) مطرح می‌شود، قابل احراز نیست. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند: «در نظام جمهوری اسلامی، رهبری فقط تابع این نیست که کسی او را به خاطر اینکه شرایط را از دست داده، عزل کند؛ اگر این شرایط در او وجود نداشته باشد، خودش به خودی خود عزل شده است.» «ولایت فقیهی که امام بزرگوار ما معنا کردند، یعنی یک مدیریت زنده و بالنده و پیشرونده. رهبری، یک مدیریت است؛ به این معنا که از حرکت کلی نظام مراقبت کند. در واقع، رهبری، یک مدیریت کلان ارزشی است. مسئولین در بخش‌های مختلف، مسئولیت‌های مشخصی دارند. در همه اینها، رهبری نه



می‌تواند دخالت کند، نه حق دارد دخالت کند، نه قادر است دخالت کند. بله، آنجا که اتخاذ یک سیاستی منتهی خواهد شد به کج شدن راه انقلاب، رهبری مسئولیت پیدا می‌کند.» در ادامه، ایشان مسئولیت رهبری را این‌گونه بیان می‌کنند: «حرکت کلان و کلی نظام اسلامی به سمت آن آرمان‌ها باید منحرف نشود؛ اگر منحرف شد، باید گریبان رهبری را گرفت، او را بایستی مسئول دانست؛ او مسئول است که نگذارد» (بیانات رهبری، ۱۳۹۰). بیانات حاکی از آن است که رهبری، در جامعه اسلامی، به عنوان بالاترین جایگاه و موقعیت، مسئولیت مدیریت و مراقبت از حرکت تمدنی در مقیاس کلان را بر عهده دارد که از جمله آنها تعیین مصادیق آرمان‌ها و اصول و خطوط قرمز به تناسب شرایط روز جامعه و گفتمان‌سازی در آن راستاست تا مردم نیز براساس آن گفتمان، جهت‌گیری فعالیت‌هایشان را در مقیاس خرد، بر مصادیق مد نظر رهبری منطبق سازند.

نقش میدانی این ویژگی در تاریخ انقلاب اسلامی: این رویه در طول تاریخ انقلاب نیز مسبوق به سابقه است و رهبری جامعه، آنجا که خطر انحراف را در حرکت اصیل انقلاب احساس کرده، وارد صحنه شده و ایفای نقش کرده است. از مدیریت جریان انقلاب در زمان طاغوت، مدیریت هشت ساله دفاع مقدس و ... در دوره رهبری حضرت امام خمینی (ره)، تا توجه به شیخون فرهنگی، نهضت تولید علم، نظریه اقتصاد مقاومتی و ... در دوره زعامت مقام معظم رهبری همگی نمونه‌هایی از نقش‌آفرینی رهبری در حرکت تمدنی انقلاب اسلامی در مقیاس کلان است.

آثار این ویژگی بر حرکت جریان تمدن‌سازی: نقش رهبری در جریان تمدن‌سازی اسلامی به مثابه جریان پیشگامی است که خط حرکت را به تناسب شرایط جامعه مشخص می‌کند تا مسیر جریان در مقیاس کلان مشخص شود و توده‌های مردم فعالیت‌های خود را در آن جهت تنظیم کنند. به این ترتیب جریان تمدنی، با بهره‌مندی از عنصر هدایت رهبری، در مسیر اهداف و آرمان‌ها و در بستر اصیل خود جریان خواهد داشت. (اثر جایگاه رهبری، حرکت مراقبت‌کننده و هدایت‌شونده است.)



جدول ۱: جدول مؤثر و اثر: تأثیر ویژگی‌های حرکتی تمدن نوین اسلامی بر جریان تمدن‌سازی

ویژگی حرکت تمدن نوین اسلامی	اثر بر جریان تمدن‌سازی
۱ آرمان‌گرایی	حرکت رو به مقصود
۲ پای‌بندی به اصول	حرکت در حریم حدود
۳ روحیه اصلاح‌گری	روان‌کنندگی حرکت
۴ مردمی بودن	درون‌زایی حرکت
۵ نوگرایی	روندگی همه‌جانبه حرکت
۶ انعطاف‌پذیری	انعطاف‌پذیری حرکت
۷ خرد جمعی	جهت‌گیری برآیندی حرکت
۸ تأثیر و تأثر جهانی	پیوستگی حرکت
۹ جایگاه رهبری (جریان پیشگام)	حرکت هدایت‌شونده

الگوسازی جریان تمدن نوین اسلامی (الگوریتم مسیریابی چشمه آب)

با استفاده از مباحث جریان تمدن‌ساز، این نوع مدل‌سازی برای پدیده‌ها و مفاهیم، موضوعی است که از اعتبار دینی برخوردار است و در آیات و روایات آمده است. این شیوه که در علوم قرآنی به «ضرب‌المثل» تعبیر می‌شود، به دنبال تبیین مفاهیم ذهنی با استفاده از تشبیهات عینی است (سیوطی، ۱۳۲۱، ج ۲: ۱۳-۱۶). «در قرآن، مسائل عقلی بسیاری وجود دارد که بیشتر مردم قابلیت فهم و جذب آن را پیدا نمی‌کنند و از سوی دیگر، مردم به محسوسات و عینیات عادت کرده‌اند؛ بدین خاطر، خداوند متعال برخی از مفاهیم بلند عقلی را در قالب مثل‌ها بیان فرموده است تا عموم مردم آنها را به تناسب ادراک خود دریابند» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۳). تعابیری همچون «مَثَلُ الَّذِينَ...» (جمعه/۵) یا تعابیر مشابه دیگر (رعد/۳۵؛ عنکبوت/۴۱) را می‌توان از این دست برشمرد. این شیوه تبیینی در روایات نیز مصداق دارد آنجا که پیامبر اکرم (ص) قرآن کریم را به طعام گسترده الهی تشبیه می‌نماید (علم‌الهدی، ۱۹۹۸، ج ۱: ۳۵-۴۴). استفاده‌های متعدد از مثل‌ها در آیات و روایات دارای این پیام ضمنی است که نظام خلقت الگوهای تکرارپذیر در موقعیت‌های ملموس و غیرملموس دارد و خداوند با ارائه سرنخ‌هایی در پدیده‌های عینی و ملموس، شناخت انسان از مفاهیم نامانوس و غیرملموس را ممکن می‌سازد که بی‌شک از جلوه‌های لطف و هدایت الهی برای آدمی است.



در بحث تمدن نوین اسلامی نیز مدل‌سازی، با هدف شناخت شیوه حرکت جریان تمدن‌ساز موعود و ملموس ساختن آن، امری ضروری است. در این راستا، با توجه به ویژگی‌های حرکت تمدن نوین اسلامی و همچنین بررسی اثر وضعی هرکدام بر حرکت، باید مدلی را جست‌وجو کرد که دارای حرکتی رو به مقصود (اثر آرمان‌گرایی)، در حریم حدود (اثر پای‌بندی به اصول)، روان‌کننده (اثر اصلاح‌گری)، درون‌زا (اثر مردمی بودن)، رونده (اثر نوگرایی)، انعطاف‌پذیر (اثر پویایی)، دارای جهت‌گیری برآیندی (اثر خرد جمعی)، پیوسته (اثر تأثیر و تأثر جهانی) و هدایت‌شونده (اثر جایگاه رهبری) باشد.

در مباحث مربوط به هوش مصنوعی، موضوعی با عنوان هوش ازدحامی (زیرمجموعه‌ای از الگوریتم‌های زیستی تکاملی) وجود دارد که در آن از الگوی رفتاری موجودات مختلف در طبیعت برای رسیدن به بهترین و بهینه‌ترین راه‌حل‌ها استفاده می‌شود. از نمونه‌های آن الگوریتم حرکتی مورچگان، کلونی زنبورها، الگوریتم ازدحام ذرات و غیره ... است. اما آنچه در این پژوهش برای مدل‌سازی حرکت تمدن نوین اسلامی برای اولین بار معرفی می‌شود، «الگوریتم مسیریابی چشمه آب» است که در آن ویژگی‌های رفتاری نه‌گانه به نهایت خود می‌رسد. در این الگوریتم، طبق مثل معروف «آب راه خود را پیدا می‌کند»، چشمه پس از جوشش (درون‌زایی)، به سبب ماهیت سیال خود، به همه طرف گسیل می‌شود و به هر گوشه و کنجی ورود می‌کند (روننگی همه‌جانبه). سپس به سمت سرایشی‌ها جاری می‌شود و هر موضع شیب‌داری مقداری در جهت‌گیری جریان تأثیر می‌گذارد (جهت‌گیری برآیندی) و موقعیتی که از شیب بیشتری برخوردار است، کل جریان چشمه را به سمت خود متمایل می‌سازد (پیوستگی). هرچند ممکن است چشمه در میانه راه دچار موانع یا چاله‌های انحرافی شود، اما هر چاله پس از پُر شدن، جذابیت خود را از دست می‌دهد و چشمه مجدداً شروع به مسیریابی می‌کند (انعطاف‌پذیری). این الگوریتم در طول مسیر چشمه ادامه می‌یابد. طی این جریان، چشمه به کنار زدن موانع مزاحم و ناهمواری‌های کوچک و همچنین سایش تدریجی موانع سخت و بزرگ می‌پردازد (روان‌کنندگی). چشمه همواره حرکتی رو به پایین و به سوی دریا یعنی پایین‌ترین ارتفاع دارد (رو به مقصود). در صورتی که جریان چشمه مستمر و ادامه‌دار باشد، به تدریج حریم و کانال چشمه شکل می‌گیرد که موجب تقویت جریان و افزایش سرعت چشمه می‌شود و از انحراف حرکت در مواقع و مواضعی که شدت جریان کم

است، جلوگیری می‌کند (در حریم حدود). البته مدل حرکتی چشمه به سبب اشراف نداشتن بر همه مسیر و جهل نسبت به آینده، به یک حرکت کورکورانه شبیه است که این موضوع برای هر چشمه سرانجام متفاوتی را رقم می‌زند از جاری نشدن، راکد و متعفن شدن، تا سرازیر شدن به باتلاق‌ها و مرداب‌ها؛ در حالی که اگر جریان چشمه توسط یک جریان «پیشگام واصل به دریا» هدایت شود، به یک نهر آب تبدیل و حیاتش تا رسیدن به مقصد پایانی تضمین می‌شود. در این حالت، می‌توان گفت جریان از ویژگی هدایت بهره‌مند است (هدایت‌شونده). به طور کلی، الگوریتم مسیریابی چشمه مدلی است که با قدرت انطباق بالا در تبیین مفاهیم متعددی به کار می‌آید. در این باره تفسیر تمدنی کلمه «لا اله الا الله» که شعار اصلی حرکت تمدن اسلامی است، به عنوان گواه ادعا و آزمونی برای کارآمدی این مدل بررسی می‌شود. با کنکاش در کلمه «لا اله الا الله» می‌توان دریافت که سیر رشد و تکامل تمدن‌های غیرالهی، بر پایهٔ تحدی الهی و نفی رقیب است؛ یعنی در این سازکار، هر پدیدهٔ جذاب برای بشر، امکان بروز می‌یابد، پیروان خود را جذب می‌کند و تمدن‌هایی را شکل می‌دهد. سپس به مرور زمان و با غنی شدن تجربهٔ بشری، ناکارآمدی آن به صورت عینی اثبات می‌شود. بنابراین از این پدیده‌ها و الهه‌های دروغین می‌توان به چاله‌های انحرافی مدل چشمه تعبیر کرد که پس از پُر شدن، جذابیت خود را از دست می‌دهند و جریان شناخت بشری، مسیریابی را از نو آغاز می‌کند تا شاید به مسیر واقعی «لا اله الا الله» وارد شود. برای مثال، مکتب کمونیسم یک نمونه از الهه‌های جذابی بود که پس از مدتی، جریان تمدن بشری از آن گذشت.

بر این اساس می‌توان گفت تاریخ تمدن‌های بشری مملو از حرکت‌های پُرفراز و نشیب است که سعی در یافتن راهی رو به جلو دارد. نظر شهید مطهری در این باره شایان توجه است: «هرچند در مجموع، حرکت تاریخ، تکاملی است، ولی برخلاف نظریهٔ ابزاری، سیر تکاملی تاریخ، جبری و لایتخلف نیست. نظر به اینکه عامل اصلی این حرکت انسان است و انسان موجودی مختار و آزاد و انتخابگر است، تاریخ در حرکت خود نوسانات دارد؛ گاهی جلو می‌رود و گاهی به عقب برمی‌گردد، گاه به راست منحرف می‌شود و گاه به چپ، گاهی تند می‌رود و گاهی کند و احياناً برای مدتی، ساکن و راکد و بی حرکت می‌ماند. یک جامعه همچنان که تعالی می‌یابد، انحطاط پیدا می‌کند. تاریخ تمدن‌های بشری جز یک سلسله تعالی‌ها و سپس انحطاط‌ها و انقراض‌ها نیست. در عین حال همچنان‌که توین بی، مورخ و



دانشمند شهیر معاصر، گفته است، انحطاط تمدن‌ها امری اجتناب‌ناپذیر نیست؛ ولی تاریخ بشریت در مجموع، خود یک خط سیر تکاملی را طی کرده است» (مطهری، ۱۳۹۰: ۴۲۹).

البته در مورد تمدن اسلامی، شرایط متفاوت است و به مدد تعالیم آسمانی اسلام، موضوع انحطاط و انقراض تمدنی مطرح نمی‌شود؛ زیرا احکام و باید و نبایدهای الهی، به مثابه حریم و کانال چشمه، حرکت تمدن را کنترل و از مسیرهای انحرافی بر حذر می‌کند. با این حال، در قلمرو دین اسلام نیز جست‌وجو و کنکاش برای رسیدن به رشد و تکامل در محدوده حریم و حدود الهی وجود دارد و از همین رو حد یقینی برای شناخت و آگاهی و علم نمی‌توان متصور بود؛ چنان‌که می‌فرماید: «فوق کلّ ذی علم علیم» (یوسف/۷۶). بنابراین در این آیین، همواره عبودیتی مبتنی بر شناختی نوبه‌نو از مقام بی‌نهایت الهی منظور است که توقف بر تصور قبلی را نفی می‌کند و به دنبال شناختی کامل‌تر در جریانی ادامه‌دار است؛ آن‌گونه که قرآن کریم می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خدا و پیامبرش و کتابی که بر او نازل کرده و کتبی که پیش از این فرستاده است، ایمان بیاورید...». با این اوصاف، شاید بتوان حدیث قدسی «كَلِمَةُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۴۹: ۱۲۶) را این‌چنین تفسیر کرد که ورود به جریان مستمر و حرکت نوبه‌نوی «لا اله الا الله» در حقیقت ورود به حریم و دژ مستحکم الهی است که انسان را از عذاب خدا ایمن می‌دارد.

در مجموع، الگوریتم مسیریابی چشمه به سبب برخورداری از جریانی پویا و سیال یک مدل مناسب برای شبیه‌سازی جریان تمدن‌ساز موعود به شمار می‌آید. اما در سوی دیگر، زنجیره حرکت انقلاب اسلامی طبق نظر مقام معظم رهبری، هنوز هم به حلقه جامعه اسلامی به عنوان جامعه‌ای بدون توقف و در حال پیشروی دائم به سمت آرمان‌ها نرسیده است (بیانات رهبری، ۱۳۹۰) و به طریق اولی، از امت اسلامی که همان جریان تمدن موعود است، فاصله دارد.

باید دید الگوریتم مسیریابی چشمه از چه خصوصیات ویژه‌ای برخوردار است که در مقایسه با مدل حرکت انقلاب اسلامی، تناسب و تشابه بیشتری با مدل حرکتی جریان موعود دارد. برای توضیح علمی این موضوع، با استفاده از مباحث علم مکانیک سیالات، سرعت و وسعت اثرگذاری بر جریان چشمه آب (سیال نیوتنی با میزان بالای پویایی و سیال بودن) و جریان ماده‌ای غلیظی همچون آب گل (سیال غیرنیوتنی با میزان پایین پویایی و سیال بودن)



با هم مقایسه می‌شوند. در علم مکانیک سیالات، به طور کلی، سیال به صورت لایه‌های مجازی فرض می‌شود که روی یکدیگر می‌لغزند. با این حال، همه سیالات، نوعی رفتار گرانروی از خود نشان می‌دهند. نیروهای گرانرو، نیروهای کندکننده جریان هستند که بر سطح لایه‌های مجازی به صورت مماس عمل می‌کنند و تمایل دارند با جریان مخالفت کنند. نیروهای عمل‌کننده به صورت موازی با سطح (مانند جاذبه زمین)، نیروهای برشی نامیده می‌شوند و نیروی برشی در واحد سطح، همان تنش برشی است. هنگامی که تنش برشی به یک سیال وارد می‌شود، سیال نمی‌تواند تنش را تحمل کند و به جای آن، تغییر شکل می‌دهد یا به عبارت دیگر، جریان می‌یابد.

فاکتور دیگری که برای تحلیل رفتار سیالات استفاده می‌شود، نرخ برش یا آهنگ برش است که به دو صورت تبیین می‌شود: یکی، تغییر زاویه لایه‌های فرضی در واحد زمان و دیگری تغییر نسبی در سرعت لایه‌ها نسبت به فاصله لایه‌های فرضی ضریب گرانروی از رابطه بین تنش برشی و آهنگ برش به دست می‌آید. مایعاتی که بین تنش برشی و آهنگ برشی آنها نسبت مستقیمی وجود دارد، سیالات نیوتنی نامیده می‌شوند. آب و ترکیباتی که درصد بالایی از آنها را آب تشکیل می‌دهد، عمدتاً ویژگی‌های نیوتنی از خود نشان می‌دهند. به بیان غیرتخصصی، در صورتی که جریانی از آب گل راه بیفتد و جاری شود، با حرکتی کاملاً آرام و با وسعتی بسیار کمتر از آب، شروع به پیش‌روندگی به اطراف می‌کند. حرکت این جریان به سمت سرایشی‌ها بسیار کند و کم‌دامنه است و همه ویژگی‌های انعطاف‌پذیری، جهت‌گیری و ... با سرعت و وسعت پایینی صورت می‌گیرد. اگر در این جریان، موجی ایجاد شود، سرعت انتقال و دامنه وسعت آن بسیار محدود است. به این ترتیب می‌توان گفت مزاحمت ذرات گل موجود در آب موجب کاهش پویایی و سیال بودن جریان آب می‌شود که این خود کاهش سرعت و وسعت تأثیر ویژگی‌های سطح یک بر جریان را در پی دارد. حال با بررسی این نتایج در الگوی حرکتی انقلاب مشخص می‌شود که چرا این جریان دچار گرانروی است. در این باره مقام معظم رهبری با تبیین مؤلفه‌های کندکننده حرکت انقلاب، بارها این عوامل را گوشزد فرمودند که برخی از آنها بدین شرح است:

- تحقق نیافتن سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی (اثر منفی بر درون‌زایی جریان انقلاب)؛
- بی‌توجهی به مبارزه با فساد اقتصادی (اثر منفی بر حرکت روان جریان انقلاب)؛
- بی‌توجهی به کرسی‌های آزاداندیشی (اثر منفی بر جهت‌گیری جمعی جریان انقلاب)؛



- وجود جناح‌بندی در سیاست‌ها و عملکردها (اثر منفی بر انعطاف‌پذیری جریان انقلاب)؛
 - کاهش شتاب رشد علمی کشور (اثر منفی بر پیش‌روندگی جریان انقلاب).
 از این رو باید گفت عارضهٔ گران‌روی می‌تواند آثار مخربی بر حرکت انقلاب داشته باشد؛ زیرا گران‌روی احساس بن‌بست کاذب را در جریان القا می‌کند و در نتیجهٔ آن، توده‌ها از ادامه حرکت دلسرد می‌شوند. لذا با تکیه بر مدل‌سازی چشمه، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که برای نزدیک شدن به حرکت تمدن موعود و رسیدن به یک جریان پویا، سیال و تراز انقلاب می‌بایست به دنبال راهبردی مناسب و زیرساختی کارآمد بود که به کمک آن، گران‌روی جریان انقلاب اسلامی کاهش و سرعت و وسعت اثرگذاری و ویژگی‌های سطح یک بر آن ارتقا یابد.

شبکه‌سازی اجتماعی در دولت مقاومت تمدن‌ساز: پدیدهٔ عظیم و بی‌نظیر فضای مجازی با گسترش روزافزون و پرسرعت خود (بیانات رهبری، ۱۳۹۴) ظرفیت مناسبی برای کاهش کندروی و سیال کردن حرکت انقلاب اسلامی فراهم می‌کند. از این رو «باید با استفاده از توانایی‌ها و استعدادهای جوان کشور و با سیاست‌گذاری صحیح و بدون از دست دادن زمان، به سمت خروج از حالت انفعال در عرصهٔ فضای مجازی و حضور فعال و تأثیرگذار و تولید محتوای اسلامی متقن و جذاب حرکت کنیم» (بیانات رهبری، ۱۳۹۴). زیرساخت جریان تمدن نوین اسلامی شبکه‌سازی اجتماعی است، زیرا ظهور و گسترش فناوری اطلاعات در سطح جهانی را باید فراگیرترین رویداد عصر حاضر نامید؛ چنان‌که همه جنبه‌های علمی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی انسان را دربرگرفته و تصور فقدان این عنصر جدید در معادلات زندگی، غیرممکن شده است. علت این تأثیر عمیق و همه‌جانبهٔ IT، سرعت و گستردگی خارق‌العادهٔ آن در انتقال است (Schroder, 2013: 27).

قدرت شگفت‌انگیز فناوری اطلاعات در مرتبط کردن و پیوندانسان‌ها، حتی در روایات آخرالزمان نیز مورد اشاره قرار گرفته است. «مؤمن در عصر قائم (عج) در حالی که در مشرق است، برادر خویش را که در مغرب است می‌بیند و همان‌گونه که در مغرب است، برادر مؤمن خویش را در مشرق می‌بیند» (کلینی رازی، ۱۴۰۷، ج ۸: ۲۴۰). در روایت دیگری نیز آمده است «هنگامی که قائم (عج) قیام کند، خداوند در دستگاه شنوایی و بینایی شیعیان ما، گستردگی و کششی ویژه می‌بخشد تا میان آنان و مهدی (عج) ما واسطه و نامه‌رسان یا فاصله‌ای نباشد» (کلینی رازی، ۱۴۰۷، ج ۸: ۲۴۰). مضمون این روایات بدان معناست که



سرعت و وسعت در انتقال اطلاعات، یک زیرساخت کاربردی تمدن موعود است. پس ناچار می‌بایست اهمیت این موضوع در جریان تمدن‌سازی نیز درک و به آن پرداخته شود. یکی از مظاهر فراگیر IT در دههٔ اخیر، پدیدهٔ شبکه‌های اجتماعی است که در حوزه‌های فردی و اجتماعی، اثربخشی و نفوذ خود را اثبات کرده است. طبق تعریف جیمز میشل در کتاب شبکه‌های اجتماعی در موقعیت‌های شهری، «شبکهٔ اجتماعی مجموعه‌ای ویژه از پیوندها میان بازیگران معین است با این خصوصیت که مشخصات این پیوندها را می‌توان به عنوان یک کلیت برای تفسیر رفتار اجتماعی افراد مجموعه استفاده کرد» (Mitchell, 1969: 5). گارتن و همکاران نیز شبکه‌های اجتماعی را به عنوان «مجموعه‌ای از عناصر اجتماعی (مردم، سازمان‌ها و غیره) که توسط مجموعه‌ای از روابط اجتماعی (دوستی، همکاری، تبادل اطلاعات و غیره) به هم متصل شده‌اند» (Gorton, 1997: 3) معرفی می‌کنند. البته بوید و الیسون تعریف کامل‌تری ارائه می‌دهند: «خدماتی مبتنی بر شبکهٔ وب که برای افراد، امکان ساخت یک نمایهٔ عمومی یا نیمه‌عمومی در یک فضای محدود؛ ارتباط با فهرستی از کاربران دیگر را که با آنها در یک اتصال، مشترک هستند، مشاهده و پیمایش در فهرست شبکهٔ آنها و شبکه‌هایی که توسط دیگران درون سیستم ساخته شده‌اند، فراهم می‌آورد» (2007: 13). Ellison & Boyd. در واقع شبکه‌های اجتماعی برخلاف وب‌سایت‌های معمول فضای سایبر که به دنبال ارائهٔ محتوا به مخاطب خاص و عام خود هستند، به گفتهٔ کریس راس، بسیار کاربرمحورند و هیچ برنامه‌ای در تولید محتوا ندارند و صرفاً بر ایجاد یک محیط مناسب برای میزبانی از محتوای کاربرساخت و همچنین ارتباط آسان و فراگیر میان کاربران با علایق و فعالیت‌های مشابه متمرکز شده‌اند (Russ, 2008: 22).

این رویکرد شبکه‌های اجتماعی در پیوند زدن افراد و شبکه‌سازی میان آنان، حجم گسترده‌ای از روابط را فراهم آورده است که طی آن، انسان‌ها در هر زمینه‌ای آزادانه به تبادل اطلاعات و تعامل با دیگران می‌پردازند. از فعالیت‌های روزانه‌ای چون آموزش آشپزی، خرید و فروش صنایع دستی و کمپین‌های تبلیغاتی چندنفره تا «انقلاب تونس که طی آن در اواخر سال ۲۰۱۱، افکار عمومی جوانان جهان عرب از طریق شبکه‌های اجتماعی به هم متصل و در نهایت، به سقوط استبداد حاکم منتهی شد» (Wu, 2008: 37) یا «شکل‌گیری جنبش ریشه‌های چمن، در گوردار انتخابات کنگره و ریاست‌جمهوری آمریکا» (Schroder, 2013: 27) همگی



در سایه این فناوری جدید ممکن شده است. این توان گسترده شبکه‌های اجتماعی، پتانسیل فراوانی برای جریان‌سازی در مقیاس‌های کوچک و بزرگ در سطح منطقه‌ای و جهانی فراهم آورده است که روزانه موجب شکل‌گیری جریان‌های متعددی در سطح منطقه‌ای یا جهانی می‌شود. البته امروزه مصادیق شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی، بسیار گسترده و متنوع شده است از جمله پایگاه‌های اشتراک ویدئو مانند یوتیوب و آپارات، اشتراک تصاویر همچون فیس‌بوک و اینستاگرام، اشتراک خبر مانند توئیتر و اشتراک پیام فوری مانند وایبر، واتس‌آپ و تلگرام تا دانشنامه آزاد ویکی‌پدیا. هرچند ویکی‌پدیا، در ساختار، یک شبکه اجتماعی نیست، اما برخی ویژگی‌های محوری آن همچون تولید محتوای اشتراکی، امکان جریان‌سازی گروهی را تقویت می‌کند.

نتیجه‌گیری

دولت مقاومت به دنبال تحقق تمدن دینی است، زیرا تمدن اسلامی بیانگر همه جنبه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه است که ابعاد وجودی فرد و جامعه را پوشش می‌دهد (مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳: ۱۱۳). تمدن نوین اسلامی، تمدنی دینی است که همه مؤلفه‌های آن بر محور اسلام استوار می‌شود... بدین ترتیب، تمدن اسلامی از همه ویژگی‌های تمدن الهی در چارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم (ص) برخوردار است و مؤلفه‌های آن، دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و غیره است (جان احمدی، ۱۳۸۸: ۵۱-۵۲). به اعتقاد ابن‌نبی، برای حصول تمدن اسلامی باید مجموعه‌ای از شروط اخلاقی و مادی حاصل شود. عناصر تمدنی در نگاه وی «انسان، خاک و زمان» است (بابایی، ۱۳۹۰: ۴۹-۴۶). به اعتقاد زرین‌کوب «... جامعه اسلامی جامعه‌ای بود متجانس که مرکز آن قرآن بود...» (زرین‌کوب، ۱۳۸۴: ۲۹).

مقام معظم رهبری تمدن اسلامی را «فضایی می‌داند که انسان در آن فضا به لحاظ معنوی و مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی برسد که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است. زندگی خوب و عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت. تمدن اسلامی به این معنی است و هدف و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است» (بیانات رهبری، ۱۳۸۳/۰۳/۲۲). در این



تعریف ابعاد گوناگون فرهنگ و تمدن مادی و معنوی بشر مطرح شده است که موجب تکامل او و قرب به خدا می‌شود. در جمع‌بندی آرای فوق، نکات زیر را می‌توان بیان کرد:

۱. تمدن اسلامی بر اساس آیات قرآن و توسط پیامبر (ص) پایه‌ریزی شده است.
۲. تمدن اسلامی همه ابعاد معنوی و مادی بشر در همه مکان‌ها و زمان‌ها را شامل می‌شود.
۳. از آنجا که تمدن اسلامی بر اخلاق دینی متکی است، دارای پویایی است.
۴. تمدن اسلامی در بستر دولت مقاومت قابلیت تحقق و اجرایی دارد.

به طور کلی، مراد از تمدن اسلامی، همه دستاوردهای مسلمانان در ابعاد گوناگون اقتصادی، فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، اخلاقی، مادی و معنوی، صنعت، اختراعات و اکتشافات است که از عصر پیامبر (ص) شروع شد و با گسترش قلمرو اسلامی از مرزهای غربی چین تا اندلس را دربرگرفت. بنابراین می‌توان در جمع‌بندی تعریف مفاهیم تمدن بیان کرد که شاخصه‌های تمدن در دیدگاه اندیشمندان اسلامی با توجه به مبانی فکری و شرایط محیط متفاوت است؛ یعنی تعدادی از شاخصه‌های تمدن در هر عصری بر اساس شرایط محیطی تغییرپذیر و دارای شدت و ضعف است. طبق تعالیم دین مبین اسلام، تمدن نوین اسلامی، به عنوان هدف جامعه اسلامی، نسبت مستقیمی با آرمان مهدویت دارد و به این معنا، حرکت همه انبیا و اولیای الهی، از آدم تا خاتم، مقدمه‌ساز این تمدن است. از این رو، سرنخ‌های شناخت این تمدن را بیش از هر چیز باید در آیات قرآن و روایات اهل بیت (ع) جست‌وجو کرد. مطالعه و بررسی دقیق متون دینی پیرامون چیستی تمدن نوین اسلامی حاکی از آن است که این تمدن، ماهیتی نه از جنس موقعیت و مقصد، بلکه از جنس حرکت و جریان خواهد داشت که لازمه یک تمدن پیش‌رونده به سوی کمال بی‌نهایت یعنی تکامل و قرب الهی است و بر این اساس می‌توان آن را یک جریان نیرومند تمدن‌سازی قلمداد کرد. در سوی دیگر، حرکت انقلاب اسلامی در ایران نیز جریانی مردمی است که طبق تأکیدات حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، در راستای تحقق تمدن موعود و در تناسب با آن شکل گرفت. بنابراین ویژگی‌های اصیل جریان انقلاب اسلامی در میدان عمل، معرف و ویژگی‌های تمدن نوین اسلامی بوده و شامل این موارد است: آرمان‌گرایی، تقید به اصول، اصلاح‌گری، مردمی بودن، نوگرایی، انعطاف‌پذیری، اتکا به خرد جمعی، تأثیر و تأثر در سطح جهانی و جایگاه رهبری که هرکدام تأثیر مشخصی بر جریان خواهد داشت.



نتیجه آنالیز حرکت انقلاب با استفاده از مدل چشمه، تشخیص عارضه کندروی در این حرکت است. منظور از کندروی طبق تعریف، ضعف ارتباطات اجزا و کاهش سرعت و وسعت اثرگذاری ویژگی‌های سطح یک بر جریان است که به کُند شدن آن می‌انجامد. بنابراین می‌بایست با سازکارهای مناسب، امکان روان‌سازی جریان را فراهم کرد. در این راستا، شبکه‌سازی اجتماعی از نهادهای انقلابی در بستر دولت مقاومت، زیرساخت مناسبی برای روان‌سازی جریان در جهت تمدن نوین اسلامی است. شبکه‌سازی اجتماعی به مفهوم شبکه کردن توان اجتماعی مردم در جهت آرمان‌های اصیل و جذاب دولت مقاومت با بهره‌گیری از ویژگی‌های پارادایم فعلی شبکه‌های اجتماعی میسر خواهد شد. نهادسازی از الزامات دولت مقاومت است، زیرا همان‌طور که از نامش پیداست، دولت مقاومت تا تحقق خواسته‌های خود با دشمنان متعددی روبه‌رو خواهد بود؛ در نتیجه باید بتواند ابتدا در مقابل تمام ناملازمات و سختی‌ها مقاومت کند و در مرحله تکمیلی باید با مدیریت جهادی امور را پیش ببرد. مدیریت جهادی با انگیزه جهاد در راه خدا با ایثار و ازخودگذشتگی می‌تواند بر سختی‌ها غلبه کند و راهی نو را برای گشودن شرایط جدید دنبال کند. این ساختارها باید متناسب با ضرورت‌های مقاومت برای حل مشکلات و بحران‌های امت مقاومت در داخل و بیرون به ویژه در حوزه امنیت و رفاه نقش‌آفرینی کنند.

در ایران تشکیل نهادهای انقلابی از قبیل سپاه پاسداران، کمیته‌های انقلاب، جهاد سازندگی، کمیته امداد و ... از دستاوردهای انقلاب است که بعدها توانستند از انقلاب در مقابل تهدیدهای امنیتی، نظامی و انتظامی حفاظت کنند و خدمات‌رسانی به قشرهای ضعیف جامعه را به طور گسترده آغاز کنند. نهادسازی انقلابی نه تنها از کشور در مقابل تهدیدهای داخلی و خارجی حفاظت کرد، بلکه در حوزه مدیریت جهادی نیز بنیان بسیج مردمی را در داخل و بسیج جبهه مقاومت را در خارج از کشور بنا نهاد و اندیشه بسیج تمدن‌ساز را به دولت مقاومت تمدن‌ساز و به یک مکتب تبدیل کرد.

منابع فارسی

- قرآن کریم

- نهج البلاغه

- ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن‌هبه‌الله (۱۳۰۴ق)، شرح نهج‌البلاغه، ج ۸، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- اکبری، حسین (۱۳۹۶)، تقابل گفتمان مقاومت و گفتمان سلطه، ج ۱، تهران: نشر دانشگاه امام حسین (ع).
- ایوانز، گراهام و جفری نونام (۱۳۸۱)، فرهنگ روابط بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده و شریفی، تهران: نشر میزان.
- آیت‌اللهی، حمیدرضا (۱۳۸۲)، «تأثیر بستر دینی در پیشرفت علم، پژوهش‌های فلسفی کلامی»، ش ۱۷ و ۱۸.
- بابایی، حبیب‌اله (۱۳۹۰)، تمدن و تجدد، قم: پژوهشگاه علوم فرهنگ اسلامی.
- بیانات مقام معظم رهبری در مناسبت‌ها و تاریخ‌های مختلف.
- تلاشان، حسن (۱۳۸۹)، «دورنمای ژئوپولیتیک شیعه در عراق»، فصلنامه علمی- پژوهشی شیعه‌شناسی، ش ۳۱، قم: پاییز.
- جان احمدی، فاطمه (۱۳۸۸)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران: انتشارات نشر معارف.
- حائری، یزدی علی‌بن‌زین‌العابدین (۱۴۲۲ق)، الزام الناصب، ج ۲، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
- حقیقی، شاهرخ (۱۳۸۲)، گذار از مدرنیته، تهران: انتشارات آگه.
- خمینی، روح‌الله (امام) (۱۳۷۸)، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۷)، چارچوبی مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی ایران، تهران: نشر دانشگاه آزاد.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۴)، کارنامه اسلام، ج ۹، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۷۹)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن (۱۳۷۶)، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۲، تهران: امیرکبیر.
- عاملی، شیخ حر (۱۴۱۴ق)، وسائل الشیعه، ج ۲۷، قم: نشر آل‌البتی.
- علم‌الهدی، علی ابن‌الحسین (سید مرتضی) (۱۹۹۸م)، امالی المرتضی، ج ۱، قاهره: دارالفکر العربی.



- فوکو، میشل (۱۳۷۶)، «سوژه و قدرت» فراسوی ساختارگرایی و هرمنوتیک، ترجمه حسین بشریه، تهران: نشر نی.
- فوکو، میشل (۱۳۸۴)، «انبار باروتی به نام اسلام»، مجموعه مقالات اندیشمندان علوم اجتماعی و انقلاب اسلامی ایران، ترجمه محمدباقر خرمشاد، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- فیاض، سیدعلی (۱۳۸۸/۰۵/۰۷)، «مردم‌سالاری دینی گفتمان رهبر انقلاب اسلامی»، پایگاه اینترنتی مقام معظم رهبری.
- کلینی رازی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق)، اصول کافی، ج ۸، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- لک‌زایی، نجف (۱۳۸۳)، «تحلیلی بر نظریه مقاومت شکننده جان فوران در تحولات تاریخ معاصر ایران»، مندرج در زمانه، س ۳، ش ۲۱.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، بحار الأنوار، ج ۴۹ و ۵۳، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مدیریت حوزه علمیه قم (۱۳۸۳)، درآمدی بر آزاداندیشی و نظریه‌پردازی در علوم دینی، قم: انتشارات مرکز حوزه علمیه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۴، تهران: صدرا.
- مک‌لین، ایان (۱۳۸۱)، فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد، ترجمه حمید احمدی، تهران: نشر میزان.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰)، حکومت جهانی مهدی (عج)، قم: انتشارات نسل جوان.
- ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۴)، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ج ۱، چ ۳، تهران: وزارت امور خارجه.

منابع انگلیسی

- Ellison. &, Boyd, D N. B, (2007), "Social Network Sites: Definition, History, and Scholarship", in Journal of Computer-Mediated Communication, 13, Article 11.
- Gorton, L, Haythornthwaite, C, & Wellman, B, (1997), "Studying Online Social Networks», Journal of Computer-Mediated Communication, 3.
- Josef s. Nye, jr. (1900), "Soft Power", Foreign Policy, Fall, Vol. 80.
- Mitchell, J. C. (Ed.), (1969), Social Networks in Urban Situations: Analyses of Personal Relationships in Central African Towns, Manchester University Press, 5

- Russ, C, (2008), “Spontaneous Diffusion of Information in Online Social Networks”, Herald of NTU “KhPI” Scientific Journal, 22.
- Schroder, D, Gloor, P. A., & Metaxas, P. T, (2013), “Social Media and Collective Intelligence-Ongoing and Future Research Streams”, KI-Künstliche Intelligent, 27, 9-15.
- Wu, C. C, Lin, J. H, & Pu, C. K, (2014),”A Case Study of Using Continuance Intention of Mobile Social Network Site”, International Journal of Engineering and Industries, 5, 37.

